

ایران زندگی

اساتید حوزه رفاه اجتماعی از شرایط اقشار آسیب پذیر در بعد از کرونا می گویند

سایه بحران بر رفاه اجتماعی در پساکرونا

همه گیری ویروس کرونا در پهنه جهان توانست جهانیان را با یکی از بزرگ ترین بحران ها مواجه کند. بیماری کووید۱۹، میلیارد ها نفر را به قرنطینه های غیر قابل باور

فرستاد و زندگی و رفاه اجتماعی آنها را با مخاطرات بسیار مواجه کرد. کارشناسان و صاحب نظران حوزه رفاه اجتماعی معتقدند همان طور که موضوع حمایت اجتماعی و نحوه استفاده از خدمات اجتماعی در هنگام

پرستو رفیعی

خبرنگار

کاهش فردگرایی و افزایش همبستگی اجتماعی



دکتر محمدرضا واعظ مهروی
استاد دانشگاه و
رئیس انجمن علمی
اقتصاد سلامت

پیدایش همه گیری کرونا، منجر به بروز یک بحران جدی سلامتی در بیش از ۲۰۰ کشور دنیا شد و به نظر می رسد آثار آن موقتی نبوده و به احتمال قوی تأثیرات عواقب جدی و دراز مدتی در مناسبات اجتماعی بشر از خود باقی بگذارد. شرایط ایجاد شده در اثر این بیماری، در وهله اول ناآرامی نظام سرمایه داری و اقتصاد مبتنی بر عرضه و تقاضا در مواجهه با چنین شرایط بحرانی و غیر مترقبه را نشان داد و اثبات کرد بازارها خود در کنترل بحران هیچ کارایی ندارند و لزوم دخالت و مسئولیت پذیری بیشتر دولت ها را اثبات کرد. براین اساس، راهبرد کوچک سازی دولت یک راهبرد نادرست و بحران زا است و اثرات این راهبرد و کوچک سازی بخش عمومی در شدت بروز بحران هم در ایران و هم در کشورهای دیگر، در جریان این همه گیری اثبات شد. در ابتدا،، خصوصی سازی بیمارستان ها و کاهش تخت های ICU از عوامل بلاتکلیفی بیماران و ناآرامی سیستم درمان در معالجه بیماران بود. در آمریکا ضعف سیستم بهداشت عمومی و عدم پوشش بیمه ای ۳۰ درصد جمعیت آن کشور و منافع شرکت های دارویی و البته غفلت دولت آمریکا در ناتوانی مهار بحران موثر بود. در ایران، عدم استخدام و به کارگیری کادر پرستاری و به کارگیری شرکتی پرسنل و همچنین فرصت طلبی وارد کنندگان دارو و تجهیزات در تشدید فشار بیماری نقش داشت و بالعکس سیستم بهداشتی دولتی در روستاها و مناطق محروم فرصت عکس العملی سریع نشان ندهد و با آگاه سازی و کنترل رفت و آمدها و ارتباط اجتماعی توسط بهورزان و با هدایت مدیریت های محلی در کنترل بیماری موثر بود. دولت هم با اصلاح سیاست کوچک سازی و بی توجهی به بخش عمومی با صدور مجوز استخدام پرسنل، راه را برای تکمیل سازوکار مقابله با بحران تسهیل کرد. به طور کلی تأثیرات ضد کاپیتالیستی بحران همه گیری مورد توجه اندیشمندانی چون جاسمکی و هابرماس قرار گرفته حتی امثال فوکویاما از درون اردوگاه سرمایه داری به آن پرداخته اند. علاوه بر این،

۲

یادداشت



احمد میردی
معاون رفاهی
وزارت تعاون،
کار و رفاه اجتماعی

غیررسمی، به نظر می رسد در بیشتر کشورها تمرکز بر انجام اقداماتی در جهت تحریک تقاضا و حمایت از کسب و کارهاست و کمتر به طور مستقیم به کاهش اثر اپیدمی بر فقر و بیکاری پرداخته شده است. طبق پیش بینی سازمان بین المللی کار، در اثر اپیدمی کووید۱۹، بین ۵۰۳ میلیون (ساناریو کمین) تا ۴۰۷ میلیون (ساناریو بیشینه) به جمعیت بیکار جهان افزوده خواهد شد. در آخرین برآورد سازمان بین المللی کار مجموع بیکاری (بیکاری کامل و بیکاری ناشی از کاهش ساعات کار) ۲۳ میلیون اعلام شده است. زنان، مهاجران، پناهندگان و افراد بالای ۵۵ سال بر بازنایبی شغل و در آستانه بیکاری بیشتری روبه رو خواهند بود. سیاست های حمایتی باید بر کارگران فاقد بیمه، خود اشتغال، روزمزد و نیروی کار شاغل در بخش خدمات، گردشگری و خرده فروشی تمرکز کنند. تجارب گذشته از همه گیری بیماری ها و بلایای طبیعی نشان داده است که

کرونا عامل فرسایش سرمایه اجتماعی



هادی خانیکی
استاد دانشگاه
عالمه طباطبائی

۱. کرونا واضح امر «تغییر» بوده و هست. به عبارت دیگر می توان گفت که بعد از ظهور و بروز کرونا جوامع مختلف با چنان پرستی ها و چالش هایی روبه رو شده اند که با انگار ه های گذشته و با پیش فرض های قبلی نه می توان از عهده تفسیر کنش های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... ناشی از آن برآمد و نه قادر خواهیم بود تصویری از چشم انداز های پیش رو برآی دوران پس از کرونا ارائه کنیم. یعنی همان طور که کرونا حوزه درمان، بهداشت و سلامت فردی و اجتماعی جوامع را دچار تغییر ساخته در سایر حوزه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... نیز تغییرات شگرف و عمیقی را بر جای گذاشته است. بنابراین طبیعتا است در راستای این تغییرات برنامه ریزی های تازه ای را تدارک دید و به عبارت دیگر باید جور دیگر فضای پرامونی را دید. اینکه با پیش فرض ها و مسیرهای قبلی نمی توان تغییرات و تحولات جدید را تحلیل و بررسی کرد، همین جا کاربرد پیدا می کند، یعنی نمی شود در یک چارچوب متعارف افق نامتعارف پیش آمده را تعریف کرد، تحلیل کرد و برایش برنامه ریزی کرد. یکی از آنها مناسبات اجتماعی و یکی هم مناسبات سیاسی است. به تعبیر برخی جامعه شناسان صاحب نظر، روابط اجتماعی به حالت تعلیق در آمده. یعنی وقتی می گویم فاصله گذاری («فیزیکی») و به آن پسوند فاصله گذاری («اجتماعی») هم می دهیم، معنای آن این است که افراد مثل گذشته نمی توانند دور هم جمع شوند، نمی توانند در سازمان های اجتماعی قبلی حضور داشته باشند، نمی توانند دور همی داشته باشند. همه این داده ها یعنی تعلیق مناسبات اجتماعی و عمومی.

۲. روابط دولت و ملت یعنی مناسبات ارتباطی مردم با دولت، مسئولان،

سرمایه گذاری اشتغال آفرین در بخش سلامت، آب، گندزدایی، زیرساخت ها و خدمات بهداشتی از جمله سریع ترین راه های ایجاد اشتغال در دوره های بحرانی است. بنابراین راه های اقتصادی و اجتماعی که به واسطه بیماری های همه گیر تشدید می شوند، همچنان در دوران پساکرونا نیز افزایش خواهد یافت و بازتابی از آن برآی افراد ودولت ها چالش بزرگی خواهد بود.

اما در ایران چه باید کرد؟ نظام رفاه در ایران چگونه می تواند تهدید کرونا را به فرصت تبدیل کند؟ معمولاً در هنگامه بحران ها، اراده لازم برای برخی اصلاحات بنیادین شکل می گیرد و در چنین مواقعی اساسی تر می توان منابع را از میان برداشت و به اجماع لازم برای غلبه بر مشکلات ساختاری دست یافت. چنانکه در گزارش سازمان بین المللی کار هم آمده است، درواکنش به کووید ۱۹، کشورها دست به ۲۲ درصد ناآوری در نظام حمایت اجتماعی زده اند. در شرایط عادی، این میزان ناآوری با چنین سرعتی از سوی بخش دولتی غیر معمولی است. بزرگ ترین ضعف نظام حمایت اجتماعی در ایران همانا چند پارگی آن و تعدد نهادهای دست اندرکار بدون هیچ گونه تبادل اطلاعاتی با هم دیگر است. به منظور حل این مشکل بنیادین، ریاست جمهوری، شورای عالی رفاه را مأمور کرد تا همکاری و هماهنگی میان نهادهای دولتی، عمومی و مردمی را در دستور کار قرار دهد. در شورای عالی رفاه برگزار شده به ریاست جهانگیری، معاون اول ریاست جمهوری، در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۹۹، معاونت رفاه اجتماعی برای افزایش هم افزایی و اثربخشی حمایت های اجتماعی نهادهای متعدد

اقتشار را در نوردیده است و همه گروه های طبقاتی به نوعی درگیر آن شده اند. سؤال این است که در چه نقاط و اقشاری بیشترین چالش ها در اثر این بحران ایجاد می شود؟ در حوزه های درمانی و بهداشتی افرادی که قبلا زمینه های بیماری های مزمن را داشته اند، در اقتصاد و معیشت، آن اقشاری می شوند که بیشترین محرومیت های اقتصادی و معیشتی را متحمل می شود و در نظام ارتباطی دولت و ملت می شود آن نقاطی که بیشترین آسیب ها در آن ایجاد شده است. یکی از مسائل جدی که در جامعه ما به عنوان مساله اجتماعی به چشم می خورد، مساله تضعیف همبستگی اجتماعی و کاهش مشارکت اجتماعی است. به خاطر همین است که رفتار حکومت یا رفتارهای رسمی در جلب اعتماد عمومی، شفافیت در اطلاع رسانی درست، در نشان دادن کارآمدی و... می تواند منجر به افزایش اعتماد، سرمایه اجتماعی و در نتیجه بهبود حکمرانی شود.

۳. این تعبیر را که بعضی از اقتصاددان ها عنوان کرده اند به نظرم قابل توجه است و آن اینکه هر چند کرونا به صورت دموکراتیک همه را مبتلا کرده و مرفه و غیرمرفه، مسئول و غیرمسئول برایش تفاوتی نداشته، اما در مواجهه با تغییرات کرونا یک نوع وضعیت طبقاتی و شکاف های طبقاتی را تشدید کرده است. افرادی که در مرحله اول بیکار شدند. بازارهای کسب و کاری که تعطیل شدند. بخش هایی اقتصادی مثل گردشگری به وضعیت کاملاً تعطیل رفتار شدند. کسب و کار خرد و دستفروشی که آسیب دیدند. در مقابل این ریزش ها رویش های اقتصادی هم در فضای پس از کرونا شکل گرفتند. بخش هایی که خیلی موارد مورد قرار نگرته بود مثل اقتصاد برآمده از فضای مجازی رواج پیدا کرد. در سطح جهانی هم بعضی از شرکت های دست اندر کار فناوری اطلاعات حتی از شرکت های مایلمایی هم وضعیتی بهتر پیدا کرده اند. طبیعتاً در چنین شرایطی، به نظر من هم طبقات پایین و دهک های پایین جامعه که معرض مخاطرات بیشتر قرار گرفته اند و نظام طبقاتی خاصی در حال شکل گیری است که ما هنوز اطلاعات چندانی درباره شاخص های آن نداریم. کارگران صنعتی، حاشیه نشین ها، دستفروش ها، آنهایی که مشاغل غیرثابت داشتند در خط مقدم آسیب های اقتصادی و معیشتی برآمده از کرونا هستند. جماعتی که

شیوع این بیماری، تحت تأثیر قرار گرفته است، قاعدتاً در دوران پساکرونا نیز با تغییرات چشمگیری در این حوزه مواجه خواهیم بود. به گونه ای که در آن دوران اقشار آسیب پذیر و طبقات فرودست و به تبع آن کارگران نیز با مشکلات بیشتری مواجه شده و معیشت آنها به مخاطره خواهد افتاد، البته در این میان شاهد افزایش منازعات اجتماعی بین جامعه کارگری با کارفرمایان و دولت خواهیم بود. به اعتقاد این صاحب نظران در

مرتبط هستند. نظیر پرستاران، پزشکان، تأمین کنندگان مواد غذایی، نیروگاه ها، پالایشگاه ها و مواردی از این قبیل: این گروه در اثر شرایط همه گیری آسیب نخورده و فعالیت خود را کمکان به شکل سابق و حتی بیشتر ادامه می دهند.

۲- گروه ثروتمندان و کسانی که محدودیت درآمد روزمره ندارند و در زمره دهک های بالای جامعه قرار دارند. طبیعتاً این گروه ها هم در اثر شرایط همه گیری، چندان متضرر نشده و مشکلات خاصی برای آنها ایجاد نشده است.

۳- گروه سوم، کسانی هستند که به درآمدهای روزمره خود وابسته هستند و مشاغل آنها در این شرایط دچار رکود شده و در نتیجه شغل و درآمد خود را از دست داده اند. بخشی از جامعه و مشاغلی که در این شرایط باید پوشش داده شود، در واقع همین گروه اخیر هستند. این گروه، اولاً باید توسط نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و بانک اطلاعات ایرانیان، دقیقاً شناسایی شده باشند. ثانیاً کارفرمایان این گروه که عمدتاً در اثر شرایط دارند، کمی زیان را بپذیرند و از اخراج کارکنان خودداری کنند. توجه کنیم که سهم حقوق و دستمزد در کل هزینه های تولید فقط ۱۰ درصد است، بنابراین استمرار حقوق و دستمزد آنان زیان زیادی برای صاحبان مشاغل گروه دوم به همراه نخواهد داشت. چه بسا هر یک از افراد متمکن در این شرایط بحران قادر باشند یک یا دویا چند نفر از گروه ۳ را تحت تکفل خود قرار دهند و حقوق و دستمزد آنان را تأمین کنند. در وهله سوم، اعتبارات جبرانی برای زیان گروه سوم توسط دولت باید تصویب و تخصیص داده شود و پوشش هایی از قبیل تأمین دستمزد و سبد کمک معیشتی در کوتاه مدت مشکل این گروه را کاهش دهد. نکته مهم این است که شرایط رفاهی هم گروه اول و هم گروه سوم و بخشی از گروه دوم، به طور کلی همه دستمزد بگیران، کارگران، بازنشستگان، کشاورزان، عشایر و بسیاری طبقات اجتماعی در اثر سیاست های ارزی و وارداتی و واسطه گری های مالی و بانکی موجود در معرض آسیب جدی قرار دارد و تورم ناشی از افزایش قیمت ارز و رواج واسطه گری مالی و بورس بازی و سایر سیاست های اقتصادی دولت سفره کوچک مستضعفان را تهدید کرده و می کند که این مربوط به شرایط همه گیری کرونا نیست و اصلاح سیاست های مذکور را طلب می کند.

دست اندرکار، یک پروتکل ارتباطی جدید بین متولیان حمایت پیشنهاد کرد. مطابق این پروتکل: ابتدا معاونت رفاه اقدام به شناسایی جامعه نیازمند بر طبق اطلاعات پایگاه رفاه اجتماعی ایران می کند. معاونت رفاه اجتماعی افراد شناسایی شده ارتباط برقرار می کند و رضایت یا عدم رضایت آنها را برای دریافت کمک جویا می شود. در صورتی که افراد شناسایی شده رضایت خود را اعلام کنند، به نهادهای مربوطه معرفی می شوند. نهاد مربوطه اقدام به بررسی میدانی برای راستی آزمایی نیازمندی افراد را معرفی شده می کند. در صورت درخواست نهاد مربوطه، معاونت رفاه کمک هزینه آن نهاد را به حساب یارانه ای فرد مورد نظر و به نام خود نهاد مربوطه واریز می کند. بنا براین معاونت رفاه، صرفاً نقش هماهنگ کننده و پشتیبان در شناسایی نیازمندان و پرداخت به آنان دارد و کمک هزینه های به نام خود نهاد مربوطه واریز خواهد شد. به نظر می رسد در شرایط بحران ناشی از تحریم و کرونا، این در دست بردن اقدام در حوزه رفاه اجتماعی خواهد بود تا بدین وسیله درد بزرگ تبدیل به کار بزرگ بشود. همان طور که بحران ۱۹۲۹ نیز چهره حمایت اجتماعی را به کلی تغییر داد و منجر به پدید آمدن صندوق های بازنشستگی، بیمه بیکاری و بیمه درمان شد. امید است با این اقدام، نظام حمایت اجتماعی یکپارچه و هماهنگ شود و به اشتراک گذاری ظرفیت ها، فعالیت ها و اطلاعات، موزای کاری را از بین ببرد و پوشش حمایتی حداکثری را حداکثر کارآمدی برای گروه های هدف فراهم شود.

پای درد دل مغازه داران پاساژها؛ از چشم انتظاری برای مشتری تا محدودیت در ساعت کار



پساکرونا نظام های حمایت اجتماعی به بازنگران جدیدی از حوزه سیاستگذاران دولتی و بنگاه های خصوصی نیاز خواهند داشت که با نقش آفرینی تأثیرگذار خود، بتوانند آسیب وارده بر اقتصاد و معیشت اقشار ضعیف جامعه را کاهش دهند و به نوعی با انجام اقدامات حمایتی و ایجاد تور ایمنی برای دهک های آسیب پذیر جامعه مانع از سقوط آنها به دهک های پایین تر جامعه شوند و آنها را به زندگی عادی و طبیعی بازگردانند.

بازسازی نظام حمایت های اجتماعی با بازنگران جدید



حسین رافغر
استاد دانشگاه و
پروفسور حوزه فقر
و عدالت اقتصادی

۳

یادداشت

دوران کرونا فرصتی فراهم آورد تا برای برخی از افراد جامعه با سوء استفاده از نگرانی های مردم زمینه های سوداگری و تاراج فراهم شود. عاملین بهره کشی از مصیبت های مردم و سرگرمی آنها در یافتن الکل و دستکش و ماسک و دارو و اختصاص بخش عمده ای از توجه رسانه ها به اخبار ویروس هم گیر کرونا فرصت مناسب برای افزایش قیمت ها یافتند. در چنین شرایطی قیمت ارز جهش قابل ملاحظه ای می کند و به موازات آن قیمت مایحتاج مردم هم بشدت افزایش می یابد؛ همچنین افزایش قیمت داروهای مورد نیاز مردم نیز در

بعضی از اقلام تکان دهنده است؛ بعضی اقلام غذایی و مرکبات مورد نیاز سلامت مردم تا ۵ برابر افزایش قیمت داشتند؛ قیمت خودرو با یک جهش بزرگ و در بعضی خودروها با افزایش بی سابقه روبه رو می شود؛ مبالغ هنگفتی از برای واردات دارو اختصاص می یابد که تولید بسیاری از اقلام آن در داخل امکانپذیر است و قیمت گذاری اقلام داروهای وارداتی به خود واردکننده و انگذار شده است؛ بعضی از محصولات انحصار وارداتی کشاورزی در اختیار تولید کنندگان دام و طیور داخلی قرار نمی گیرد؛ این انتظار وجود دارد که یک انفجار قیمت ها در ماه های پیش روی وجود داشته باشد که خود افزایش نارضایتی های عمومی را در پی خواهد داشت. و البته امروزه پیامدهای تورم لجام گسیخته برای عموم مردم و سیاستگذاران کاملاً شناخته شده است. این فرآیند سقوط تعداد زیادی از طبقه متوسط را به زیر خط فقر دربی خواهد داشت. برندگان این اقدامات ختمان برانداز مافیاهای قدرت- ثروت هستند که به دلیل احساس ناامنی از کسب درآمدهای بی سابقه، چه نامشروع خود این درآمدها را به خارج از کشور منتقل می کنند. پرسشی که ذهن را می آزارد این است که نهادهای حامی حقوق مردم کجا هستند؟ نقش دستگاه قضایی در پیشگیری از آسیب های مهلک این اقدامات، بسیار تعیین کننده است آنچه رخ خواهد داد تحویلی است که در اقتصاد جهانی و ساختارهای آن رخ خواهد داد که اقتصاد ایران را شدیداً متأثر خواهد ساخت. یکی از حوزه هایی که متأثر خواهد شد نظام حمایت های اجتماعی است. در نظام حمایت های اجتماعی مسئولیت ها فقط در قلمرو دولت باقی نمی ماند. نقش نهادهای مردمی و سازمان های مردم نهاد به همراه مسئولیت اجتماعی بخش خصوصی بیش از پیش مورد تأکید قرار خواهد گرفت و به همراه دولت و نهادهای عمومی همچون شهرداری ها بر جسته می شود. اما اقتصاد دوقطبی ایران برای پاسخگویی به مشکلات دوران حاضر و پساکرونا نیازمند یک عمل جراحی اساسی است. در دوره پساکرونا لازم است که آن دسته از بنگاه های به اصطلاح بخش خصوصی که سر در آخور رانت های نفتی و ارزی و سیاست های بخش عمومی دارند مسئولیت جدیدی عهده دار شوند و این مهم تنها از تغییر عملکرد حکمرانی در کشور امکانپذیر است. اما چگونه این تغییر امکانپذیر است. لازم است برای پیشگیری از ناسمجاری بیشتر و برای ایجاد نظام های تثبیت گر حمایت اجتماعی، نظام حمایت های اجتماعی با مشارکت دولت رسمی، به همراه سازمان های مردم نهاد بازسازی شود. چنانچه مسئولیت نظام حمایت های اجتماعی و پاسخگویی در مورد وضعیت گروه های آسیب پذیر به این ترکیب جدید واگذار شود در اینصورت می توان انتظار داشت که سیاست های مخرب نئولیبرالی تا حدودی توسط نهاد جدید حمایتی کنترل شود و تولید آسیب ها توسط بخش عمومی تقلیل یابد.

تشدید عدم دسترسی اقشار فرودست به خدمات اجتماعی



علی حیدری
عضو و نایب رئیس
هیات مدیره
سازمان رفاه
اجتماعی

۴

یادداشت

«کرونا زندگی» شیوع بیماری ناشی از کرونا، اثرات و تبعات زیادی در عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی بر جای گذاشته و خواهد گذاشت. یکی از تفاوت های بحران کرونا با سایر بحران های دیگر، پیش بینی ناپذیری آن از نظر گستره جغرافیایی و زمانی شیوع و ماندگاری آن و پیوزه چگونگی و زمان درمان و ایمن سازی (تولید واکسن) است و به همین سبب شاید زود باشد که از «دوره پساکرونا» سخن به میان بیاوریم ولیکن بر داختن به موضوع «بیش بینی وضعیت رفاه اجتماعی در دوران پساکرونا و شرایط افراد جامعه و پیویه اقشار آسیب پذیر نظیر کارگران در آینده» از آنجا اهمیت دارد

که رویکردها و تصمیمات اتخاذی دولت و کارفرمایان برای نیروی کار در دوره کرونا، در شرایط پساکرونا آنها بسیار تأثیرگذار است. اگر دولت و کارفرمایان در دوران کرونا از کارگران حمایت و صیانت کرده و با آنها همدلی و همراهی کنند تبعاً در دروان پساکرونا کارگران با انگیزه بیشتری به کار و تولید خواهند پرداخت در غیر این صوت پایبستی شاهد منازعات اجتماعی فراوانی بین اقشار فرودست جامعه و کارگران با دولت و نیز کارفرمایان باشیم. وقتی یک کارگر سالها عمر خود را در عرصه تولید برای کارفرما مصروف ساخته و کارفرما از محل کار و تلاش او سود برده است، ببیند کارفرما بخاطر تعطیلی موقت ناشی از بحران کرونا او را اخراج یا حقوق او را قطع کرده و حق بیمه او را نپرداخته است، قطعاً در دوران پسا کرونا با انگیزه و سابقه قبل از کرونا کار نخواهد کرد و احتمال بروز منازعات و بحران های کارگری در سطح بنگاه های اقتصادی بالا می رود و در نتیجه کارگران و اقشار فرودست جامعه اگر احساس کنند که دولت بین آنها و کارمندان خود فرق گذاشته است، از کارمندان حمایت کرده و حقوق و مزایای آنها کم نشده بلکه افزایش هم داشته است پیش بینی می شود موجی از نارضایتی اجتماعی بین مردم و دولت بروز و ظهور یابد؛ نتیجه آنکه جامعه حتی اگر بتواند محرومیت و نابرابری اجتماعی و تبعیض در دسترسی به خدمات اجتماعی و بهره مندی ناعادلانه از منابع عمومی را در شرایط عادی بپذیرد و تحمل کند، قطعاً اعمال تبعیض در شرایط بحرانی را بر نمی تابد، آن هم بحرانی از جنس کرونا که دوران فرودست جامعه از آن بیشتر صدمه دیده اند. در خصوص وضعیت رفاه اجتماعی در دوران پسا کرونا بایستی گفت که این حوزه در شرایط عادی قبل از کرونا نیز بحرانی بوده است. درآمد سرانه پایین، توزیع ناعادلانه ثروت، نرخ بیکاری بالا، عدم کفایت مزد کارگران و عدم کفایت مستمری بازنشستگان، واردات بی رویه، تخریب تفره ای غلط، چاقاق افسار گسیخته، نیروی کار خارجی غیرمجاز، شیوع آسیب های اجتماعی که فرد را از محیط خانواده، کار و جامعه طرد می کند، و عدم دسترسی عادلانه به خدمات اجتماعی، عدم بهره مندی عادلانه از منابع عمومی، ناپایداری مالی صندوق های بازنشستگی و... قبل از کرونا نیز وجود داشته است و بعضاً به مرحله بحران رسیده بود و این چالش ها در اثر کرونا تشدید هم شده است و در دوران پسا کرونا هم بنظر نمی رسد در کوتاه مدت این چالش ها رفع شوند. بطور مثال سازمان تأمین اجتماعی علاوه بر افزایش هزینه های درمانی ناشی از شیوع کرونا، از یکسوا با افزایش مصارف بیمه ای خود در حوزه غرامت دستمزد ایام بیماری، مقرری بیمه بیکاری و مستمری بازنشستگی ناشی از اخراج کارگران، مستمری های از کارافتادگی و بازماندگان ناشی از بیماری و فوت بیمه شده اصلی، و از سوی دیگر با کاهش منابع ناشی از اخراج کارگران، کاهش شیفته ای کاری و فعالیت کارگاه ها، کاهش فرصت های فعلی جایی و... مواجه شده است. این درحالی است که سازمان مزبور قبل از کرونا نیز بخاطر عدم ایفای تعهدات بیمه ای جاری و ستوانی از سوی دولت، دچار کسری نقدینگی بوده است. تلاش سریع و جدی در استقرار نظام چند لایه تأمین اجتماعی و برقرارسازی تور فراگیرری ایمنی اجتماعی، تقویت تاب آوری اجتماعی تجدید نظر در فرآیند خصوصی سازی (با توجه به کارکرد و عملکرد نامناسب بخش خصوص در شرایط بحران کرونا و بروز نقص و شکست بازار در ارائه خدمات اجتماعی نظیر درمان)، پیاده سازی کامل طرح شناسنامه اقتصادی – اجتماعی خانوارها، شکل دهی پنجره واحد خدمات رفاه و تأمین اجتماعی، صیانت از نیروی کار بویژه در مشاغل فصلی و غیررسمی و پیش بینی سازوکارهای صیانتی و حمایتی از نیروی کار مجازی (دورکاری، الکترونیک و...) و بویژه Free Lacer – ها، ایجاد مدیریت یکپارچه شهری و احاله امور تصدیگری خدمات اجتماعی به شهرداری ها به جای واگذاری آن به بخش خصوصی و... برخی از راهکارهای پیشنهادی دوران پسا کرونا در حوزه سیاست اجتماعی است که می تواند از بروز منازعات اجتماعی و بحران های کارگری در دوران پسا کرونا پیشگیری کند و سطح تاب آوری اجتماعی جامعه را بالا ببرد.

منبع:اعتمادآنلاین